

بررسی استثنائات حقوق مالکیت ادبی و هنری

با تأکید بر موافقت‌نامه تریپس

همایون مافی^۱

حمید ابهری^۲

احمدعلی محسن‌زاده^۳

چکیده

استثنائات در حقوق مالکیت ادبی و هنری، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار می‌باشد. تبیین جایگاه استثنائات، شیوه‌های بیان و قلمرو آن، مقایسه استثنائات در موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون برن و امکان توافق برخلاف مقررات قانونی در رابطه با منافع عمومی از مباحثی است که به آن پرداخته خواهد شد. همچنین از آنجایی که حصول شناخت صحیح نسبت به استثنائات ارتباطی مستقیم با شناخت اصل وجود حق در مالکیت فکری دارد، این مقاله به تحلیل و واکاوی موضوعات مذکور می‌پردازد.

واژگان کلیدی

استثنائات، حقوق مالکیت ادبی و هنری، موافقت‌نامه تریپس

۱. دانشیار، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: mafi@ujsas.ac.ir

۲. استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۳۱

مقدمه

بحث از استثنائات حقوق مالکیت فکری ناخودآگاه تداعی‌کننده هم‌آوردی موافقان و مخالفان مالکیت فکری است. نبردی که در تمامی نظام‌های حقوقی اعم از حقوق اسلامی، حقوق عرفی (کامن‌لا) و حقوق نوشته ساری و جاری است، البته این امر در حقیقت ناشی از اختلاف بر سر شناسایی اصل حق مالکیت فکری است. بدین معنا که عده‌ای اساساً برای مالکیت فکری به طور مستقل ماهیتی قائل نیستند و از همین زاویه است که جای استثنائات با اصل در صورت اصالت‌دادن به نظریه اخیر عوض خواهد شد.

اما با توجه به پذیرش اصل بودن حق مالکیت فکری در قانون داخلی و بین‌المللی، در این مقاله ضمن تبیین جایگاه استثنائات در حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی هنری با محوریت کنوانسیون تریپس به این سؤالات پاسخ خواهیم داد که شیوه‌های بررسی استثنائات چیست؟ آیا می‌توان برخلاف استثنائات توافق کرد و این توافق را با توجه به جایگاه منافع عمومی به قانون پیوند زد؟ و این‌که رعایت منافع عمومی چه تلازمی با استثنائات دارد؟

الف - مفهوم استثنائات

اگرچه در خصوص محدودیت‌ها و استثنائات تعاریف گوناگونی به عمل آمده، اما در یک تعریف روان می‌توان گفت منظور از استثنائات، یعنی استفاده از اثر دیگران به وسیله مصرف‌کننده بدون اخذ رضایت پدیدآورنده اثر. به عبارت دیگر اصل بر حمایت از حقوق پدیدآورنده می‌باشد و استثنائاً قانونگذار در مواردی در راستای رعایت مصالح عمومی و منافع جمعی عدول از این حمایت را روا می‌دارد و به دیگران حق استفاده از آثار صاحبان حقوق مالکیت فکری را اعطا می‌نماید،

یعنی برخی از اعمال که به طور معمول به وسیله قوانین کپی‌رایت ممنوع و محدود می‌شوند، ممکن است در شرایط خاصی که در قانون مشخص شده بدون اجازه مالک کپی‌رایت انجام شوند.

بعضی از این موارد استثنایی و استفاده‌های آزاد تحت عنوان استفاده منصفانه توصیف می‌شوند. (خدمتگذار، ۱۳۹۰ ش.) این در حالی است که عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که اصل بر آزادی بوده و حقوق مالکیت فکری، خود استثنایی بر این اصل است. از این رو مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری مانند جزیره‌ای کوچک درون اقیانوس عظیم آزادی است و با عنایت به چنین تحلیلی، مقررات مربوط به محدودیت‌ها و استثنائات بازگشت به اصل آزادی است. به بیان دیگر محدودیت‌ها ابزاری برای تعریف قلمرو حقوق انحصاری مؤلفان هستند، اگرچه ممکن است اصطلاحات متعددی مانند محدودیت، استثنا، مجوز و... استعمال شود، ولی همه به یک معنا به کار می‌روند. به طور مثال در ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس از اصطلاح «استثنائات و محدودیت‌ها» استفاده شده که بیشتر یک مترادف تلقی می‌گردد. (حبیب‌ا و همکاران، ۱۳۹۴ ش.)

ب - شیوه‌های تبیین استثنائات

چگونگی ورود و نحوه بیان محدودیت‌ها و استثنائات دارای شیوه‌های مختلفی می‌باشد. یکی از این شیوه‌ها، بیان فهرستی از محدودیت‌ها و استثنائات است و شیوه دیگر، ارائه معیارهایی برای بررسی خواهد بود. در این قسمت به تشریح این دو شیوه و کیفیت تبیین آن‌ها که هر کدام از منظر خاصی بیان گردیده‌اند، پرداخته می‌شود.

۱- شیوه اول: بیان فهرستی از محدودیت‌ها و استثنائات

یکی از شیوه‌های مهم تبیین محدودیت‌ها و استثنائات، ارائه فهرست مشخصی از آن‌هاست که با توجه به احصای موارد در این شیوه امکان تفسیر محدود می‌گردد. برخی دستورالعمل‌ها جهت جلوگیری از تفسیرهای خلاف واقع و نیل هر چه بیشتر به خواست مقنن از چنین روشی بهره جسته‌اند. دستورالعمل اتحادیه اروپا راجع به جنبه‌های خاصی از کپی‌رایت و حقوق مرتبط^۱ نیز روش مذکور را اتخاذ نموده است. برخی مواد این دستورالعمل از جمله مواد ۲ و ۳، حقوقی را در رابطه با پدیدآورندگان آثار ادبی هنری در نظر گرفته است، سپس در ماده ۵ آن تحت عنوان محدودیت‌ها و استثنائات به بیان تفصیلی موارد آن پرداخته و آن‌ها را به صورت فهرستی در چند بند آورده است.

بر اساس بند اول ماده ۵ اقدام به تکثیر موقت در شرایطی که قانون تصریح دارد، مجاز است. به عبارت دیگر این اقدامات باید در چارچوب قانون باشد، اما وفق بند ۲ این ماده، اعضا قادرند نسبت به حقوق مندرج در ماده ۲ این دستورالعمل محدودیت‌ها و استثنائاتی را وضع نمایند. لازم به ذکر است که ماده ۲ کشورهای عضو را مکلف می‌نماید حق انحصاری اجازه یا منع تکثیر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، موقت یا دائم، به هر وسیله و به هر شکلی را خواه جزئی یا کلی به این شرح مقرر نماید: ۱- برای پدیدآورنده یا آثار او؛ ۲- برای اجراکنندگان به لحاظ تثبیت اجراهایشان؛ ۳- برای تولیدکنندگان فونوگرام به لحاظ آثار صوتی آن‌ها؛ ۴- برای تولیدکنندگان فیلم در خصوص تثبیت فیلم‌ها در ارتباط با اصل یا کپی فیلم‌هایشان؛ ۵- برای سازمان‌های پخش به لحاظ تثبیت تولیداتشان، اما استثنائاتی که در بند ۲ ماده ۵ نسبت به حقوق مندرج در ماده ۲ ذکر شده است، به طور خلاصه بدین شرح می‌باشد:

- ۱- تکثیر بر روی کاغذ یا هر بستر انتشار مشابه دیگر به وسیله استفاده از هر نوع روش عکاسی به شرط پرداخت مابه‌ازا منصفانه به صاحبان حق.
- ۲- تکثیر اشخاص حقیقی برای استفاده شخصی با هر منظوری که تجاری نباشد، به شرط پرداخت ما به ازای منصفانه به صاحبان حق.
- ۳- تکثیر توسط کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی، موزه‌ها و آرشیوها، مشروط بر آنکه جنبه غیر انتفاعی داشته باشد.
- ۴- تکثیر موقت توسط سازمان‌های پخش از طریق امکانات خود و برای پخش خود...

۵- تکثیر به منظور پخش اثر در مؤسسات اجتماعی نظیر بیمارستان‌ها و زندان‌ها مشروط بر آنکه ما به ازای منصفانه پرداخت شود.

در بند ۳ ماده ۵ آمده است که «اعضای می‌توانند محدودیت‌ها یا استثنائاتی را نسبت به حقوق مقرر (در ماده ۲ و ۳) اعمال نمایند. شایان ذکر است که با توجه به اشاره این بند از ماده ۵ به حقوق مذکور در مادتهای ۲ و ۳ مناسب خواهد بود، به این حقوق پرداخته شود تا مشخص شود منظور از استثنا، استثنا از کدام حقوق می‌باشد و با عنایت به این‌که حقوق مندرج در ماده ۲ در قسمت قبل بیان گردیده است. اجمالاً باید گفت در ماده ۳ نیز حق دسترسی عمومی به آثار و در دسترس قراردادن عمومی آثار، مورد تصریح قرار گرفته است. بنا بر این توضیح، آنچه که بر اساس بند ۳ ماده ۵ از حقوق مقرر در ماده ۲ و ۳ دستورالعمل، استثناء گردیده به طور خلاصه عبارت است از:

- ۱- استفاده آموزشی یا تحقیقات علمی به شرط آنکه نام مؤلف ذکر و غیر انتفاعی باشد.

- ۲- استفاده افراد معلول به شرط آنکه به طور مستقیم به این افراد، مربوط و غیر انتفاعی باشد.
- ۳- تکثیر مقالات... توسط مطبوعات در موضوعات مذهبی، سیاسی و اقتصادی... .
- ۴- نقل قول به منظور نقد یا بازنگری مشروط به آنکه اثر در گذشته به طور قانونی در اختیار عموم قرار گرفته و جنبه منصفانه داشته باشد... .
- ۵- استفاده به منظور تأمین امنیت عمومی یا تضمین عرضه مناسب یا گزارش جلسات دادگاه، مجلس و... .
- ۶- استفاده از سخنرانی‌های سیاسی... مشروط به آنکه اهداف اطلاع‌رسانی وجود داشته باشد... .
- ۷- استفاده بر طبق آیین‌نامه‌های مذهبی یا رسمی سازمان‌دهی شده توسط مقامات عمومی.
- ۸- استفاده از آثاری نظیر معماری یا مجسمه در مکان‌های عمومی
- ۹- استفاده تصادفی یک اثر... در آثار دیگر.
- ۱۰- استفاده برای تبلیغات نمایشگاه‌های عمومی یا فروش آثار هنری... .
- ۱۱- استفاده به منظور کاریکاتور و هزل و تقلید ادبی.
- ۱۲- استفاده به منظور نشان دادن یا تعمیر تجهیزات.
- ۱۳- استفاده در شکل ساختمان یا طراحی یا نقشه ساختمان به منظور نوسازی ساختمان.
- ۱۴- استفاده برای ارائه یا در دسترس قراردادن آثار به منظور تحقیقات یا مطالعات شخصی... .
- ۱۵- محدودیت‌ها و استثنائاتی که در قوانین ملی مقرر می‌شود {این ماده نباید مانع گردش آزاد کالا و خدمات در اتحادیه اروپا شود...}.

در اینجا با توجه به کاربرد معیار سه گام شایسته است در خصوص این معیار به اختصار توضیح داده شود. اساساً استثنای وارد بر حق تکثیر، برخوردار از سه گام به شرح ذیل می‌باشد:

اول این که خاص و مشخص باشند؛ دوم این که با استفاده عادی از اثر در تعارض نباشند؛ سوم این که به منافع قانونی خالق اثر زیان غیر معقولی وارد نسازد. بنابر توضیح فوق باید گفت در موارد احصاشده فوق بعضاً گام اول رعایت نمی‌شود، مانند قسمت نهم بند ۳ ماده ۵ و قسمت اول بند ۲ این ماده به این علت که اساساً محدوده آن دقیقاً مشخص نشده است و یا قسمت دوم و چهاردهم بند ۲ ماده ۵ که در آن ما به ازای منصفانه به صاحب حق پرداخت نمی‌گردد و این خود باعث ورود لطمه به منافع قانونی پدیدآورنده و دارنده حق می‌باشد.

با این وجود این موارد در قالب استثنا بیان شده است به نحوی که شاید بتوان اطلاق استثنای اکثر بر موارد مذکور نمود. بر این اساس این سؤال مبنایی مطرح می‌گردد که آیا استثنای مذکور خود به عنوان اصل نمی‌تواند مطرح گردند و به عبارت دیگر آیا داشتن حق مالکیت ادبی و هنری برای صاحب حق، اصل است یا استثنایی بر عدم وجود حق؟ جهت دریافت مبنای قانونگذار توجه به مطالبی چند از جمله، نقش مصرف‌کنندگان، منافع عمومی و... ضروری به نظر می‌رسد. در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری، مصرف‌کنندگان دو نقش را ایفا می‌کنند: دریافت اثر و تولید اثر در آینده. این دو نقش در پی آن است که پیشرفت علم را ترویج نمایند، اما آیا نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری این اهداف عالی را درک می‌نماید؟ آیا ضرورتی جهت بررسی نقش مصرف‌کننده وجود دارد؟ مصرف‌کنندگان چگونه می‌توانند به نظام نزدیک شوند؟ به راستی چگونه بین مصرف‌کنندگان و حقوق مالکیت ادبی و هنری فاصله ایجاد می‌شود؟

در پاسخ باید گفت که بعضی از مصرف‌کنندگان هیچ‌گاه با نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری رو در رو نمی‌شوند و شاید اساساً نیز استعداد و قریحه‌ای برای خلق آثار نداشته باشند، اما مصرف‌کنندگان صاحب قریحه که به دنبال ایجاد نوآوری هستند به نبرد با نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری خواهند رفت. مصرف‌کننده دو عمل مصرف و ابداع را انجام می‌دهد و همین مصرف و تولید است که منجر به زایش نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌شود. از این رو موقعیت نظام بسته به آن است که گستره قواعدش، اجازه تولید و خلق را بدهد، به راستی چه میزانی از مقررات اجازه خلق را می‌دهند؟ و چه گستره‌ای از آزادی فراروی مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد؟ (کوهن، ۲۰۰۵، م).

اما از طرفی این واقعیت غیر قابل انکار است که بالاخره حقوق مالکیت فکری بر اساس واقعیت‌های موجود در جامعه شکل گرفته و ضمن این‌که درصدد ایجاد توازن بین حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌باشد، اما در حقیقت برای حمایت از تولیدکنندگان اثر و صاحبان حق مالکیت فکری پدید آمده است. بنابراین پدید آورنده آثار به دنبال منافع خود و سهم‌خواهی در بازار و در نتیجه انحصاری نمودن حق خود و استفاده فزون‌تر از اثر خلق شده می‌باشد. این در حالی است که با نگاه به منافع عمومی موضوع پیچیده‌تر می‌شود، چراکه از طرف دیگر مفهوم منافع عمومی از جمله مفاهیمی است که قابل تفسیر متعدد است، بدین معنا که دامنه گسترده و مصادیق زیادی دارد، اما از آنجا که فلسفه محدودیت‌ها و استثنائات در راستای ملاحظه منافع عموم می‌باشد و به نوعی عدول از اصل مالکیت فکری و حمایت از حقوق پدیدآورنده یا دارنده حق خواهد بود، لذا این موضوع جای تأمل دارد. ضمن آنکه ویژگی منافع عمومی هم قابل تسری به نفع تولیدکنندگان است و هم به سود مصرف‌کنندگان، یعنی به سود هر یک از این دو می‌تواند مورد تفسیر

قرار گیرد و حتی قابلیت آن را دارد که به عنوان یکی از مصادیق محدودیت‌ها و استثنائات تفسیر گردد.

۲- شیوه دوم: ارائه معیار

دومین شیوه ورود به بحث محدودیت‌ها و استثنائات ارائه معیارهایی جهت بررسی می‌باشد. برخی از کنوانسیون‌ها از این شیوه جهت بیان مقصود خویش بهره جسته‌اند. کنوانسیون برن از جمله این موارد است. این کنوانسیون به چند صورت به بحث در این خصوص پرداخته است.

نخست، بعضاً منافع عمومی اقتضای آن را دارد که ما از آثار فکری دیگران بدون اذن آن‌ها و یا بدون اخذ رضایتشان بهره‌برداری نماییم، البته لازم به ذکر است این نوع استفاده عام نخواهد بود، بلکه محدود به برخی از مصداق‌ها و با شرایط مخصوص می‌باشد از جمله این شرایط این است که بهره‌برداری هم جزئی باشد و هم به نحوی که به صاحب اثر زیان قابل توجهی وارد نکند. بنابراین این نوع استفاده‌ها مانند بهره‌برداری به قصد ارائه گزارش خبری یا استفاده در شرایط خاصی که دارای توجیه می‌باشد توسط دسته‌ای دیگر از مقررات مورد اجازه قرار گیرد، یعنی با وصف این‌که در بادی امر این نوع استفاده‌ها تجاوز از برخی موارد بهره‌برداری انحصاری آفریننده اثر یا صاحب حق تلقی می‌گردد، اما با این وجود بر اساس مقررات تخلف محسوب نمی‌شود.

به عبارت دیگر هرگونه بهره‌برداری و استفاده از آثار دیگران بایستی با اجازه صاحب یا صاحبان آن آثار باشد و در صورت عدم اجازه، شخص متخلف محسوب می‌شود، اما با توجه به این‌که قانون آن‌ها را از حمایت مستثنی کرده، مسؤلیت استفاده‌کننده کاملاً منتفی است، مانند بند ۲ ماده ۲ مکرر «کنوانسیون برن» درباره تکثیر یا عرضه عمومی اثر از طریق جراید. بند ۲ ماده ۹ پیرامون استثنا بر

حق تکثیر در شرایط خاص، ماده ۱۰ درباره نقل قول و استفاده به منظور تدریس و ماده ۱۰ مکرر درباره گزارش‌های خبری و مانند آن. علاوه بر این موارد، استثنائات مشابهی در ماده ۱۵ «کنوانسیون رم» ماده ۱۳ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPs)، ماده ۱۰ W CT و ماده ۱۶ W PPT مطرح شده است.

دوم، دسته‌ای از آثار مانند متون رسمی قانونگذاری، اداری و قضایی (بند ۴ ماده ۲ کنوانسیون برن)، اخبار روز (بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون برن) و سخنرانی‌های ایرادشده در جریان رسیدگی‌های قضایی (بند ۱ ماده ۲ مکرر کنوانسیون برن) از حمایت قانونی استثناء می‌شوند. از دیدگاه تحلیلی، این موارد، به صورت محدودیت وارد بر حمایت توصیف می‌شوند. این بدان معناست که برای انواعی از آثار، ارائه حمایت ضروری نیست، یعنی این دسته از آثار بر اساس مقررات یا از حمایت مستثنی هستند و یا از دایره حمایت اساساً خارج می‌شوند.

سوم، با توجه به بند ۲ ماده ۱۱ مکرر و ۱۳ بخش پیوست کنوانسیون برن می‌توان آثار مورد حمایت نظام مالکیت فکری را در قبال پرداخت ما به ازای مورد بهره‌برداری خاص قرار داد که از این مقررات به عنوان مجوزهای اجباری نام می‌برند، از طرفی بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون برن معیار سه گام را مطرح می‌کند و این در واقع محدودیت‌هایی است که در حقوق مالکیت فکری با هدف ایجاد توازن بین حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده ایجاد می‌نماید، اگرچه با مذاقه در این معیار سه گام آشکار می‌شود که حقوق پدیدآورنده یا دارنده حق بیش از حقوق مصرف‌کننده مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه دادگاه عالی فرانسه تصریح می‌نماید که هیچ حق مشخصی برای نسخه‌برداری شخصی به موجب قانون حقوق

مالکیت ادبی و هنری فرانسه وجود ندارد و تدابیر مدیریت فنی می‌تواند جهت ممانعت از نسخه‌برداری صورت گیرد. (رأی شعبه بدوی مدنی، ۲۰۰۶ م.)

بدین ترتیب می‌توان گفت مفاد ماده ۹ کنوانسیون برن متضمن دو حق و یک تکلیف می‌باشد، از یکسو حق پدیدآورنده که همان حق تکثیر است و همگان موظف به رعایت آن هستند. دیگری حقی که معیار سه‌گام مطرح می‌کند که در چارچوب استثنائات متجلی می‌شود و آخرین مورد تکلیفی است که باید مراقبت شود که استثنائات به آن حد گسترده نشوند تا حقوق تولیدکننده و صاحب اثر تضییع گردد.

ج - محدودیت‌ها و استثنائات در تریپس

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) یکی از اجزای تفکیک‌ناپذیر سند نهایی دور اروگوئه و یکی از سه رکن موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت (شامل موافقت‌نامه‌های مربوط به تجارت کالا، خدمات و مالکیت فکری) است. این موافقت‌نامه جامع‌ترین سند بین‌المللی در مورد حقوق مالکیت فکری است. (موسوی زنوزی، ۱۳۸۹ ش.) از آنجایی که موافقت‌نامه تریپس متضمن جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری است، لذا در آن به تمامی حوزه‌های مالکیت فکری از جمله حق نسخه‌برداری و حقوق مرتبط، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق ثبت اختراع و... پرداخته است. هر یک از بخش‌های ذکر شده مقرراتی را راجع به استثنائات و محدودیت‌ها به طور جداگانه آورده است.

برای مثال ماده ۱۷ به بحث از استثنائات مرتبط با حقوق اعطایی یک علامت تجاری می‌پردازد و یا ماده ۳۰ از استثنائات حقوق انحصاری ناشی از حق اختراع سخن به میان آورده است. آنچه که در اینجا مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد،

استثنائات و محدودیت‌های حقوق مالکیت ادبیه هنری می‌باشد که تحت عنوان حق نسخه‌برداری و حقوق مرتبط در موافقت‌نامه آمده است. حق نشر و تکثیر از مهم‌ترین مصداق‌های حقوق اقتصادی محسوب می‌شود، زیرا اگرچه نشر، ابزار رساندن پیام پدیدآورنده به عموم است، اما منافع اقتصادی زیادی برای ناشر به دنبال دارد.

از این رو پدیدآورنده می‌تواند با اذن خود به ناشر از منافع اقتصادی اثر بهره‌مند گردد. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶ ش.) نشر و تکثیر عبارت است از هر عملی که منجر به ساختن یا تهیه نمونه‌های دیگری از اثر اصلی می‌شود؛ از جمله ضبط مکانیکی بر روی نوارهای ضبط صوت، صفحات موسیقی، نوارهای ویدیویی، چاپ و افست کتاب، عکاسی، گراور، کلیشه، قالب‌ریزی، تهیه نگاتیو فیلم‌های سینمایی، انتقال بر روی دیسک‌های کامپیوتری و میکروفیلم و نظایر آن. (آیتی، ۱۳۹۳ ش.)

ماده ۱۳ موافقت‌نامه اشعار می‌دارد: اعضا باید محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری را در موارد مشخص و خاص که با بهره‌برداری از اثر در تضاد نیست و لطمه غیر معقولی به منافع قانونی ذی‌حق نمی‌رساند، اعمال کنند. با این حال این محدودیت‌ها از سویی بر اساس ارجاع به کنوانسیون برن می‌باشد، ماده ۹-۱ موافقت‌نامه تریپس اعضا را صرف نظر از عضویت در برن، ملزم به رعایت ماده ۲۱-۱ کنوانسیون برن می‌داند، اما این تعهد به حق معنوی که به موجب ماده ۶ مکرر برن مقرر گشته، سرایت نمی‌یابد، البته این عقیده از آنجا نشأت گرفته است که در ابتدا تصور می‌شد، مستثناکردن «حقوق معنوی»^۲ از تریپس به این دلیل است که این حقوق غیر مرتبط با تجارت است، اما اکنون روشن شده که بسیاری از تداول استفاده (یا سوء استفاده) از حقوق معنوی لاقلاً به صورت غیر مستقیم به تجارت ارتباط دارد. برای مثال، در مواردی که از پخش فیلم‌های

«سیاه و سفید رنگی شده» جلوگیری می‌شود و یا به یک عکاس اجازه داده می‌شود تا از دستکاری عکسی که وی به یک مجله برای انتشار فروخته است، جلوگیری کند تردیدی در اهمیت تجاری حقوق معنوی باقی نمی‌ماند. با این وجود، امروزه اصلی‌ترین دلیل استثناکردن حقوق معنوی از موافقت‌نامه تریپس غیر قابل اسقاط بودن حقوق مذکور ذکر شده است. (دانیل جرویس، ۱۳۹۵ ش.)

همچنین در خصوص مدت حمایت، «موافقت‌نامه تریپس» از بیان عامی استفاده می‌کند. طبق ماده ۱۲ موافقت‌نامه هرگاه مدت حمایت از اثری، غیر از اثر عکاسی یا اثری از هنری کاربردی، بر مبنایی غیر از عمر شخص حقیقی محاسبه شود، چنین مدتی حداقل ۵۰ سال پس از پایان سال انتشار مجاز آن، یا در صورت عدم چنین انتشار مجازی ظرف ۵۰ سال پس از خلق اثر، ۵۰ سال پس از پایان خلق آن خواهد بود. این ماده مربوط به آثاری می‌شود که مؤلف آن‌ها اشخاص حقوقی هستند. این قاعده در حقوق آمریکا و در خصوص برخی از آثار (از جمله صفحات صوتی و فیلم‌ها) وجود دارد، اما در عین حال در کشورهای دارای حقوق نوشته، مانند فرانسه نیز در مورد «آثار جمعی» اعمال می‌شود.

در چنین مواردی محاسبه مدت حمایت بر مبنای زندگی مؤلف حقیقی امکان پذیر نیست. این وضعیت همچنین می‌تواند در مورد آثار گمنام مصداق داشته باشد، گرچه در بسیاری از نظام‌های ملی، با توجه به بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون برن، مقرر است که اگر هویت مؤلف سرانجام آشکار شود، یا با درجه اطمینان معقولی قابل شناسایی باشد، در این صورت مدت تعیین‌شده برای حمایت از آثار متعلق به اشخاص حقیقی، یعنی تا ۵۰ سال پس از فوت مؤلف، در مورد آثار گمنام قابل اعمال خواهد بود. (جرویس، ۱۹۹۸ م.) مدت تعیین‌شده در ماده فوق، مشابه مدت مقرر در مورد آثار سینمایی (بند ۳ ماده ۷) در کنوانسیون برن است، ولی عملاً

دامنه‌ای بسیار وسیع‌تر از آثار مذکور دارد و همه آثاری را که مبنای محاسبه مدت حمایت از آن‌ها فوت مؤلف نیست، دربر می‌گیرد.

به عبارت دیگر این مقررۀ مؤلفان حقوقی را که در کنوانسیون برن وضعیت روشنی ندارند، شامل می‌شود، اما در عین حال موافقت‌نامه دامنه آثاری که مدت حمایت از آن‌ها بر مبنایی غیر از عمر اشخاص حقیقی است، توسعه نداده و این وظیفه به عهده قانون ملی کشورهای عضو است که مثلاً تعیین کنند آیا مدت حمایت از یک اثر پدیدآمده در یک رابطه استخدامی بر مبنای مدت حمایت از اثر شخص حقوقی محاسبه می‌شود یا بر پایه عمر مستخدم یا پدیدآورنده اثر. همچنین «موافقت‌نامه تریپس» مدت حمایت از آثار عکاسی و همچنین آثار مربوط به هنر کاربردی را که در بند ۴ ماده ۷ «کنوانسیون برن» تعیین شده‌اند، تغییر نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان، قصد رفع تمایز موجود میان دوره حمایت از این دو اثر را مد نظر نداشته‌اند. بعداً معاهده کپی‌رایت وایپو (۱۹۹۶ م.) این تمایز را در مورد آثار عکاسی از میان برداشت و حداقل مدت حمایت از آثار عکاسی را عمر پدیدآورنده اثر به اضافه ۵۰ سال قرار داد. (ریکتسن و همکاران، ۲۰۰۶ م.) به بیان کلی، الزام مقررۀ تریپس منجر بدان خواهد شد که اعضا قادر باشند، محدودیت‌ها و استثنائات خاص در مواد برن را به مرحله اجرا درآورند. این مقررات در دو دسته اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: اختیاری و اجباری. رعایت مقررات اجباری برن الزامی است، اما در مقررات اختیاری، آزادی اعضا پیش‌بینی شده است.

همانطور که گفته شد، قلمرو حق انحصاری در این ماده مشتمل بر مواد ۱ الی ۲۱ کنوانسیون برن و حق اجاره در برنامه‌های رایانه‌ای و سینمایی است، چه، از یکسو رعایت مواد مذکور برن الزامی است و از سوی دیگر تفاوت موافقت‌نامه

تریپس با کنوانسیون برن در این است که برن از منافع قانونی مؤلف سخن به میان می‌آورد، اما تریپس بر منافع قانونی ذی‌حق تأکید می‌ورزد. این اختلاف از جایگاه این دو معاهده جهانی سرچشمه می‌گیرد، چه، موافقت‌نامه تریپس خواستگاه اقتصادی دارد، اما کنوانسیون برن بر خواستگاه حقوقی متکی است. به طور کلی مؤلف و ذی‌حق در یک فرد جمع می‌شوند، اما همیشه چنین نیست و ذی‌حق فردی جدا از مؤلف است. منافع مؤلفان متضمن حق مادی و معنوی است، در حالی که ذی‌حقی که مؤلف نیست از حق معنوی برخوردار نمی‌باشد. از این رو ممکن است پرونده‌هایی مشاهده شود که به مواد برن تجاوز گشته است، اما به اصول تریپس تجاوز نشده باشد.

د - مقایسه استثنائات در موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون برن

بنابر آنچه گفته شد، درباره وضعیت مقررات برن در مقایسه با مفاد ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس که از استثنائات حق تکثیر صحبت به میان آورده است، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱- هم‌پوشانی مفاد ماده ۱۳ تریپس با برخی از مقررات برن در حوزه استثنائات

اگرچه گام اول از معیار سه گام مشعر بر این است که استثنا باید خاص و مشخص باشد، اما با مذاقه در بندهای یک و دو ماده ۱۰ برن که به استفاده آزاد از آثار در برخی موارد اشاره کرده - مانند نقل قول از آثاری که قبلاً به طور مجاز در اختیار عموم قرار گرفته و تعیین استفاده مجاز آموزشی، پخش رادیویی، ضبط صوتی و تصویری از آثار ادبی یا هنری و... - مشخص می‌شود که این مطلب با گام دوم و سوم (یعنی در تعارض نبودن با بهره‌برداری عادی از اثر و عدم ورود زیان غیر معقول به منافع قانونی پدیدآورنده) هماهنگی دارد. بنابراین با دقت در ماده

۱۰ کنوانسیون برن و ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس که هر سه گام را به نوعی در خود جای داده است، درخواستیم یافت، در هر دو ماده الزامات مشترکی بیان شده است. به همین دلیل این دو ماده دارای هم‌پوشانی هستند.

۲- مقرراتی از کنوانسیون برن که نسبت به الزامات ماده ۱۳ تریپس لابلش شرط^۲ است

در مفاد کنوانسیون برن اشتراطی نسبت به مفاد ماده ۱۳ تریپس که همان الزامات معیار سه گام می‌باشد، وجود ندارد. در واقع بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون برن تابع شرایط خود که عدم منع صریح قانون در بند اول و توجیه هدف اطلاع‌رسانی در بند دوم است، می‌باشد و در خصوص الزامات ماده ۱۳ و معیار سه گام موجود در موافقت‌نامه تریپس هیچ اشاره‌ای ندارد، به همین دلیل می‌توان گفت که رابطه این دو ماده از کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس لا به شرط است، همان‌گونه که بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰ مکرر تابع شرایط خاص خود می‌باشند و هیچ اشاره‌ای به الزامات ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس ندارد.

مقررات بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰ مکرر در اجرا، تابع شرایط داخلی خود مانند فقدان حق شرط صریح در خصوص بند ۱ و هدف اطلاع‌رسانی در بند ۲ می‌باشند و در خصوص الزامات ماده ۱۳ موافقت‌نامه ساکت هستند، لذا در این شرایط، ممکن است که یک مقرر از قوانین ملی که این شرایط (مواد برن) را رعایت می‌نماید، معیارهای سه گام ماده ۱۳ را رعایت نکنند (به ویژه گام ۲ و ۳) و شاید وضعیتی حادث شود که هیچ اشاره‌ای به سه گام نداشته باشد. همانطور که در بالا آمد، اجرای هر دو مقررات در یک زمان به عنوان بخشی از مفاد موافقت‌نامه تریپس نشان می‌دهد که هر دو مقرر باید متفقا اعمال گردد و یک استثنا که به موجب قوانین ملی وضع می‌شود، باید با هر دو مقرر هماهنگ باشد.

۲- مقرراتی از کنوانسیون برن که با ماده ۱۳ هماهنگ نیستند

الزامات مربوط به محدودیت‌ها و استثنائات برن در برخی موارد با مفاد ماده ۱۳ تریپس متفاوت است و شاید بهتر است گفته شود متعارض می‌باشد، بدین معنی که بند ۲ ماده ۱۱ مکرر برن اشعار می‌دارد: «تعیین شرایط اجرای حقوق مقرر در بند ۱ فوق با قوانین کشورهای عضو می‌باشد، اما این شرایط صرفاً در کشور واضح آن‌ها اجرا خواهد شد. این شرایط نمی‌تواند به هیچ‌وجه به حق معنوی پدیدآورنده و به حق دریافت غرامت منصفانه پدیدآورنده که با توافق و یا در غیر این صورت توسط مقام صالح تعیین می‌شود، لطمه‌ای وارد سازد.»

بر این مبنا، کشورهای عضو کنوانسیون برن می‌توانند تمامی شرایط اجرای حقوق مقرر در بند ۱ همین ماده را در محدوده کشور خود تعیین نمایند، البته مشروط به دو شرط. اول آنکه حق معنوی پدیدآورنده محفوظ باشد و دوم این که به حق دریافت غرامت منصفانه پدیدآورنده نیز لطمه وارد ننماید. این در حالی است که ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس در بیان محدودیت‌ها و استثنائات حوزه مالکیت ادبی و هنری اشعار می‌دارد: «اعضا محدودیت‌ها و استثنائاتی را در مورد حقوق انحصاری نسبت به برخی موارد خاص که با استفاده معمولی از اثر تعارض نداشته و لطمه‌ای نامعقول بر منافع مشروع دارنده حق وارد نیاورد، می‌توانند برقرار کنند.»

با این بیان، در واقع استفاده آزاد را تجویز می‌کند. در این حالت با توجه به بند ۲ ماده ۲ موافقت‌نامه تریپس که مقرر می‌دارد «هیچ چیز در قسمت‌های ۱ تا ۴ موافقت‌نامه حاضر به تعهداتی که اعضا ممکن است اکنون طبق کنوانسیون پاریس، برن، کنوانسیون رم و... در قبال یکدیگر داشته باشند، لطمه‌ای وارد نخواهد آورد.» به نظر می‌رسد که ماده ۱۱ مکرر کنوانسیون برن باید در جای خود اعمال گردد.

هـ - توافق برخلاف مقررات قانونی مرتبط با منافع عمومی

سؤالی دیگر که در این قسمت بدان پرداخته می‌شود، این است که آیا مؤلفان می‌توانند برخلاف مقررات قانونی در خصوص رعایت منافع عمومی با مصرف‌کنندگان توافق نمایند؟ اگر چنین توافقی صحیح باشد، جایگاه استثنائات در این خصوص چه می‌باشد؟ در پاسخ به سؤالات فوق لازم است ابتدا به امری و تکمیلی بودن این قواعد پرداخته شود. بر این اساس اگر محدودیت‌ها و استثنائات در زمره قواعد امری تلقی شود، تراضی برخلاف آن کان لم یکن و فاقد اعتبار خواهد بود، اما اگر از قواعد تکمیلی یا تفسیری به شمار آیند، تراضی برخلاف آن معتبر و قابل پذیرش است. از سوی دیگر اگر مقررات حاکم بر استثنائات امری باشد، این بدان معنا است که بحث استثنائات به قلمرو نظم عمومی ورود کرده و در نظر قانونگذار از اهمیت متقنی برخوردار می‌باشد.

بنابراین ارجحیت نظم عمومی بر قرارداد طرفین موجب خواهد شد که هر جا قرارداد مخالف نظم عمومی بود، قرارداد غیر معتبر و کان لم یکن تلقی گردد، چون نظم عمومی به نوعی به مصلحت جمعی و به عبارتی منافع عمومی بر می‌گردد که مهم‌ترین ملاحظات آن، موضوعات حساس حقوق عمومی می‌باشد و می‌تواند ناشی از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و یا باورهای اعتقادی جامعه باشد (مافی، ۱۳۹۵ ش.) و هر اقدامی که مخل این امر باشد، بایستی تحت الشعاع آن قرار گیرد. از این منظر، حمایت با توجه به اولی بودن نظم عمومی، بسیار گسترده است. به عنوان نمونه، حمایت قانونی از پدیدآورندگان آثار برای رعایت منافع آحاد مردم و به جهت اهتمام قانونگذار بر افزایش دانش عمومی، تعدیل یا حذف می‌گردد. (جیهورام، ۲۰۰۵ م.)

بنابراین اگر در کشور یا جامعه‌ای حقوق مصرف‌کننده جزء حقوق اساسی به شمار آید و از اهمیت بالایی برخوردار باشد، در این صورت باید اصل را بر حفظ حقوق مصرف‌کننده بدانیم، آنگاه شکی در امری بودن مقررات نباید کرد، اما اگر جامعه‌ای، اصل را بر حمایت از حقوق پدیدآورنده یا صاحبان حق بداند، در این صورت برای آن‌ها یک حق انحصاری قائل شده است که به موجب آن، پدیدآورندگان یا صاحبان حق، قادر خواهند بود استثنائات را به نفع خود تغییر دهند و احتمالاً مقررات تکمیلی خواهند بود.

البته در سال‌های اخیر با توجه به پدیده‌های نوظهور چالش‌های جدید در خصوص امری بودن مقرراتی که صرف نظر از رضایت مؤلف، استمرار بهره‌برداری را به شرط پرداخت ما به ازای توجیه می‌نماید، در جریان است، چراکه پدیدآورندگان به دنبال حفظ انحصار حقوق خود و کاستن یا حتی منتفی نمودن استثنائات هستند و تلاش می‌کنند در قراردادهای میزان و ماهیت دسترسی اعطاشده به مصرف‌کننده را تحت کنترل خود قرار دهند (زوارت، ۲۰۰۶ م.) و برای این که در نهایت حق انحصاری را به طور مطلق در اختیار گیرند، خواهند کوشید به وسیله قرارداد همه استثنائات را به نفع خود تغییر دهند، (کورن، ۱۹۹۷ م.) به طوری که بعضاً از استثنائات چیزی باقی نخواهد ماند.

به عنوان مثال می‌توان عدم اعمال استثنائات بر آثاری که به صورت برخط عرضه می‌شوند را مطابق بند ۴ ماده ۶ دستورالعمل اروپایی هماهنگ‌سازی جنبه‌های حقوق مالکیت ادبی و هنری در این راستا نام برد. در این میان یونسکو پیشنهاد می‌نماید که هر گونه شروط قراردادی که قصد حذف یا ایجاد مانع در برابر اعمال استثنائات طراحی شده برای حمایت از حقوق اساسی یا منافع عمومی را داشته

باشد، باطل تلقی شود، اما طرفین آزاد باشند که در خصوص شکل اجرا مانند میزان ما به ازای توافق نمایند. (اکستر، ۲۰۱۰ م.)

مشابه همین چالش که میان حقوق مصرف‌کننده و پدیدآورنده اثر وجود دارد، در کلیت مالکیت فکری میان حقوق صاحبان حق مالکیت فکری و حقوق رقابت در فضای بازار نیز وجود دارد. به این نحو که پیشرفت اقتصاد در گرو وجود فضای سالم رقابت در بازار خواهد بود و انحصار، در مقابل مفهوم رقابت قرار دارد از این‌روست که برخی بر این باورند که مقررات این دو حوزه، یعنی حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت در تعارضند، زیرا یکی به منظور جلوگیری از ایجاد انحصار تأسیس شده و دیگری در پی حمایت از حقوق انحصاری حاصل‌داری‌های فکری است. عده‌ای دیگر به تعامل بین این دو حق عقیده دارند.

اما بر فرض پذیرش نظر اخیر آنچه نیاز به توضیح و پاسخ دارد این است که این تعامل چه تأثیری بر قواعد عمومی قراردادها و اصول حاکم، نظیر اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی دارد؟ و این‌که اگر حفظ حقوق رقابت ایجاب کند آیا می‌توان مالک حق انحصاری را به انتقال حق یا موافقت به استفاده سایرین از آن اجبار کرد؟ در پاسخ باید گفت به نظر می‌رسد که حقوق رقابت بر حقوق مالکیت فکری سلطه دارد و علت این امر در رویکرد پذیرفته‌شده در حقوق رقابت است که از طریق گسترش قلمرو مفهوم نظم عمومی و ترجیح حفظ منافع و مصالح اجتماع بر منافع اشخاص اعمال می‌گردد و تحمیل شروط قراردادی از طرف دارنده حق انحصاری به متقاضی و مخالفت او با واگذاری، «سوء استفاده از موقعیت برتر» تلقی و با ضمانت اجرای اعمال ضد رقابتی مواجه می‌گردد.

در اینجا یکی از نظریات مطرح که می‌تواند باعث حل و اصلاح مشکل یادشده - یعنی رابطه بین حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت - گردد، نظریه «امکانات اساسی»^۴ است.

مطابق این نظریه برای الزام صاحب حق مالکیت فکری به در اختیار قرار دادن اثر فکری خود، آنچه که باید واگذار گردد، می‌بایست اولاً «امکان» باشد که شامل تمام توانایی‌ها و قابلیت‌های فنی، اطلاعات، خدمات، حقوق و اموال اعم از مادی و معنوی و... که برای انجام یک فعالیت اقتصادی از آن‌ها استفاده می‌شود؛ ثانیاً «اساسی» به حساب آید، یعنی نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه امکانات یادشده در اجرا و استمرار فعالیت بنگاه اقتصادی باشد، به گونه‌ای که به جهت وجود محدودیت‌های اقتصادی، فنی، قانونی و... عملاً امکان جایگزینی و مشابه‌سازی آن‌ها وجود نداشته باشد. در این شرایط است که حقوق رقابت بر حق مالکیت فکری مقدم می‌شود تا حافظ منافع جمعی و مصالح اجتماع گردد. (خشنودی، ۱۳۹۳ ش.)

به نظر می‌رسد در بحث استثنائات و در پاسخ به این که آیا باید حق انحصاری پدیدآورنده مورد حمایت قرار گیرد؟ (که بر اساس آن همان‌گونه که ذکر شد مقررات استثنائات تکمیلی فرض می‌شود و در نتیجه می‌توان در قراردادهای برخلاف آن‌ها توافق نمود) یا این که حقوق مصرف‌کننده و منافع عمومی ملاک عمل قرار گرفته شود (که در این حالت مقررات ناظر بر استثنائات آمره تلقی می‌گردند) باید عنوان داشت، مشابه آنچه ذکر شد، در این زمینه نیز نیاز به تفکیک بین استثنائات وجود دارد، زیرا همه آن‌ها از یک درجه اهمیت برخوردار نخواهند بود. به عبارت دیگر هر یک از استثنائات برای برطرف کردن یک نیاز و یا تحقق یک مصلحت برای جامعه وضع گردیده است و در صورتی می‌توان به خاطر یک نیاز یا

یک مصلحت حق انحصاری ناشی از آن را نادیده گرفت که آن نیاز یا مصلحت دارای اهمیت قابل توجه باشد. برای تحقق این امر ابتدا باید استثنائات مشخص و خاص باشد و شاید از همین روست که گام اول مقرر در موافقت‌نامه تریپس به این امر اشاره دارد.

نتیجه‌گیری

در خصوص استثنائات حقوق ادبی و هنری می‌توان به دو شیوه بیان در قوانین اشاره نمود. در برخی موارد قوانین به احصای مصادیق پرداخته‌اند و در برخی دیگر به ذکر ضوابطی بسنده نموده‌اند. موافقت‌نامه تریپس در ماده ۱۳ به این مهم اشاره نموده و به ارائه معیار گام‌های سه گانه مبادرت ورزیده است. ماده ۱۳ موافقت‌نامه اشعار می‌دارد: اعضا باید محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری را در موارد مشخص و خاص که با بهره‌برداری از اثر در تضاد نیست و لطمه غیر معقولی به منافع قانونی ذی‌حق نمی‌رساند، اعمال کنند.

از سوی دیگر در خصوص مشروعیت و امکان سنجی توافق برخلاف اصول مذکور در قوانین، دو رویه متفاوت ایجاد گشته است که آنچه اولی می‌نماید، عدم اعتبار توافق برخلاف استثنائات می‌باشد، چراکه فراروی حق انحصاری و استثنائات، نظم عمومی قرار دارد، اگرچه این نکته نیز قابلیت بحث دارد که همه استثنائات در یک درجه از اهمیت قرار ندارند. به نظر می‌رسد که اگر هر گونه شروط قراردادی که هدف آن حذف یا به وجود آوردن مانع در قبال استثنائات مقرر برای حمایت از حقوق اساسی یا منافع عمومی باشد را باطل تلقی نمود به انصاف نزدیک‌تر است که در این صورت می‌توان گامی مؤثر به سوی ایجاد توازن در این راه برداشت.

پی‌نوشت‌ها

1. Directive of the European Parliament and of the Council of 22 May 2001 on the Harmonisation of Certain Aspects of Copyright and Related Rights in the Information Society

2. Moral Rights

۳. توضیح این‌که در منطق نسبت دو مفهوم به سه دسته به شرط شیء، به شرط لا و لابلشرط تقسیم می‌گردد. در به شرط شیء مفهوم به شرط وجود مفهومی دیگر اعتبار می‌یابد، مانند کالای سالم. در به شرط لا مفهوم به جهت عدم وجود مفهوم دیگر تصور می‌گردد، مانند کالا به شرط معیوب‌نبودن و در لابلشرط مفهوم نسبت به مفهوم دیگر عاری و بدون قید است، مانند «کالا» که به خودی خود سالم، معیوب، بزرگ، کوچک و... را دربر می‌گیرد. مقررات مذکور در کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس نیز این تناسب را با یکدیگر دارند.

4. The Essential Facilities Doctrine

فهرست منابع

الف - فارسی:

- آیتی، حمید. (۱۳۹۳ ش.). *حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری*. تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ص ۱۲۰.
- جرویس، دانیل. (۱۳۹۵ ش.). *موافقت‌نامه تریپس تاریخچه تدوین و تحلیل مواد*. مترجم رضا شکوهی‌زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، صص ۱۵۴-۱۵۲.
- حبیبیا، سعید. شاکری، زهرا. (۱۳۹۴ ش.). *منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، صص ۳۴-۳۵.
- حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۶ ش.). *مبانی مالکیت فکری*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۵۰.
- خدمتگذار، محسن. (۱۳۹۰ ش.). *فلسفه مالکیت فکری*. تهران: نشر میزان، چاپ اول، ص ۲۲۸.
- خشنودی، رضا. (۱۳۹۳ ش.). *تعامل میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری یا تعارض با قواعد عمومی قراردادها*. *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*. دوره هجدهم، شماره سوم، صص ۵۷-۵۹.
- مافی، همایون. (۱۳۹۵ ش.). *شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، ص ۵۲۵.

موسوی‌زنوزی، موسی، بینات، ابوالقاسم. سیدی، میرهادی. نصیری، میترا. امیدبخش، اسفندیار. زاهدطلبان، علی. کمالی اردکانی، مسعود. روحانی، حامد. فتحی‌زاده، امیرهوشنگ. ناصری، سیدمهدی. دژم‌خوی، غزاله. صباغیان، علی. بزرگی، وحید. مرادپور، فرزاد. زارع، محمدحسن. فاضل، ماندانا. میرجلیلی، سیدحسین. (۱۳۸۹ ش.). سازمان جهانی تجارت ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، ص ۴۵۱.

ب - لاتین:

- Akester, P. (2010). The New Challenges of Striking the Rights Balance Between Copyright Protection and Access to Knowledge, Information and Culture, Center for Intellectual Property and Information Law, University of Cambridge, at the Request of UNESCO Secretariat for the 14th Session of the Intergovernmental Copyright committee of the University Copyright convention, IGC (1971) XIV/4; 13.
- Cohen, HJ. (2005). Restrictions on copyright and their abuse. *European Intellectual Property Review*. 24(2): 1.
- Cohen, JE. (2005). Intellectual Property and Public Values. *The Place of the User in Copyright Law, Fordham Law Review*. 74(2): 347-349.
- Directive of the European Parliament and of the Council of 22 may 2001 on the Harmonisation of Certain Aspects of Copyright and Related Rights in the Information Society. (2001).
- Elkin-Koren, N. (1997). Copyright Policy and the Limits of Freedom of Contact. Available at: <http://cyber.law.harvard.edu/ilaw/contract/Elkin-Koren%20Excerpt>. Last visited March 16, 2011.
- First Civil Chamber. (2006). Perquin and UFC Quechoisir v. SA filme Alain SardeSte universal pictures video France et al. 37(1): 760.
- Gervais, D. (1998). The TRIPs Agreement, Drafting History and Analysis. London: Sweet & Maxwell, 86-87.
- Ricketson, S. Ginsburg, JC. (2006). International copyright and Neighboring Rights; The Berne convention and beyond. New York: Oxford University Press, 575.

Zwart, MD. (2006). Australian Intellectual property law Resources. The Future of Fair Dealing in Australia: protecting Freedom of communication, 17.

یادداشت شناسه مؤلفان

همایون مافی: دانشیار، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

پست الکترونیک: mafi@ujssas.ac.ir

حمید ابهری: استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

احمدعلی محسن‌زاده: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

**Examination on Exceptions to Literary and Artistic Property with
an Emphasis on TRIPS Agreement**

Homayoun Mafi

Hamid Abhari

Ahmad Ali Mohsenzadeh

Abstract

Exceptions to literary and artistic property have a particular place in the legal system. Its definition, scope, comparison in TRIPS Agreement and Berne Convention, and the possibility of agreement against expect that serve public interests are the core issues that this Article addresses. Also, since the identification of the right to intellectual property is a key matter that correlate the study on the exceptions to literary and artistic property, this article will analyze this issue.

Keywords

Literary and Artistic Property, Exceptions, TRIPS Agreement